

سپید امضاء

به مقتول ۲۷ ساله قرارداد سفید،
امیر نژادقنبری، کارگر نیرپارس

نبرده دست !
پس می کشم -
ز سفره دست.
آسوده بخور کودک زیبا
آسوده، که فردا
زیر هر برگ سفیدی
که رئیس
می گذارد روی میز
می گذارم امضاء.
آسوده بخور کودک نازم
آسوده، که کار -
با قرارداد جدید -
دوسه ماهی دوام می آرد.
آسوده بخور -
رشد بکن -
تا فردا
واقعیت را بنویسی :
که پدر یا بابا -
آب داده
که پدر یا بابا -
نان داده.
تا به آخر بخوان درست را
مثل سارا نباش -
دارا باش.

من نوشتم به کلاس :

علم -

افضل از سرمایه است

کار -

جاویدترین سرمایه است.

تو ولی آگاه باش !

کاین شکست خورده پدر

عضوی از

لشکر کار است، پسر !

جنگ سرمایه و کار هم پسر -

بد جنگی است

چون که سرمایه، پسر !

زر دارد

چون که سرمایه، پسر !

زور دارد

و پدر -

اهل ریا و تزویر نیست

پدرت دست تنهاست

پدرت می ترسد

پدرت از طبقه -

ساختمان را می فهمد

پدران دیگری می خواهد

مادران -

شیرزنان -

پسرانِ دگری می خواهیم.

عبداله وطن خواه (فلزبان)

آبان ۸۴

